

اندیشه سیاسی - ۲۲

ادموند برک

ترجمه

سهیل صفاری

تأملاتی بر انقلاب
در فرانسه

نشر نگاه معاصر

تأملاتی بر انقلاب در فرانسه

ادموند برک

ترجمه
سهیل صفاری

ناشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / علاج جلد: باسم الرسام
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی شما (امید سینداظمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: ۱۳۹۳ / شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه / قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۷-۹۶-۶

نگاه معاصر
نشر نگاه معاصر

نشانی: مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ - پست الکترونیک: negahe_moaser@yahoo.com

Burke, Edmund	: برک، ادموند، ۱۷۲۹-۱۷۹۷م	سرشناسه
	: تأملاتی بر انقلاب در فرانسه / ادموند برک: ترجمه سهیل صفاری.	عنوان و نام پدیدآور
	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۳.	مشخصات نشر
	: ۲۷۶ ص.	مشخصات ظاهری
	: اندیشه سیاسی: ۲۲.	فروست
	: ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۶-۶-۵۷۴۷-۶۰۰-۹۷۸	شابک
	: فیبا.	وضعیت فهرست‌نویسی
	: فرانسه - تاریخ - انقلاب، ۱۷۸۹-۱۷۹۹م. - علل	موضوع
	: صفاری، سهیل، ۱۳۶۱ - مترجم	شناسه افزوده
	: ۱۳۹۳ ت ۲ ۴ ب / ۱۳۸ DC	رده‌بندی کنگره
	: ۰۴/۹۴۴	رده‌بندی دیویی
	: ۳۵۵۱۵۲۶	شماره کتابشناسی ملی

فهرست

۵-۱۳	□ مقدمه مترجم
۱۷-۲۷۰	متن تأملاتی بر انقلاب در فرانسه
۲۷۱-۲۷۶	□ یادداشت‌ها

مقدمه مترجم

خطیب همیشه نماینده

ادموند برک در ۱۲ ژانویه ۱۷۲۹، در دابلین ایرلند ولادت یافت. او در یک مدرسه شبانه‌روزی کویکری و بعد در کالج نامدار ترینیتی دابلین به تحصیل پرداخت. در ۱۷۵۰ وارد «میدل تمپل»^۱ شد، لیکن خیلی زود برای پی گرفتن کار ادبی، تحصیل حقوق را رها کرد. او رساله «اثبات جامعه طبیعی» و همچنین «کاوشی فلسفی در سرچشمه ایده‌های ما در باب والا و زیبا» را در ۱۷۵۶ منتشر کرد. در دسامبر ۱۷۶۵ برک به عنوان نماینده «ونداور»^۲، یک ناحیه انتخاباتی جیبی^۳، وارد مجلس عوام بریتانیا شد و همزمان در زمان صدارت تقریباً یک‌ساله (۱۷۶۶-۱۷۶۵) مارکی راکینگهام^۴، منشی شخصی او هم محسوب می‌شد. فصاحت و سخنوری او جایگاه رفیعی در حزب ویگ به او بخشید. پس از سقوط دولت راکینگهام تا پایان دوران طولانی نخست‌وزیری لرد نورث^۵ در ۱۷۸۳ دیگر هیچ منصب دولتی به برک نرسید. دوران طولانی لرد نورث در تاریخ انگلستان با مشخصاتی چون سرکوب ناموفق مستعمرات امریکایی، فساد، اسراف و ریخت و

۱. Middle Temple مرکز مدارس حقوقی در شهر لندن.

2. wendover

۳. Pocket borough در تقسیم‌بندی انگلستان برای انتخابات پارلمانی، ناحیه جیبی به نواحی کوچکی گفته می‌شد که تحت نفوذ یک خانواده قدرتمند اشرافی بودند و به اصطلاح در جیب آن‌ها قرار داشتند. هریک از این مناطق را دو نماینده در مجلس عوام نمایندگی می‌کرد که معمولاً تحت کنترل آن خانواده منتفذ بودند. با توسعه انقلاب صنعتی و گسترش شهرها این تقسیم‌بندی به نفع آرای شهرنشینان تغییر کرد.

۴. Marquess of Rockingham چارلز واتسن-ونتورث، دومین مارکی راکینگهام (۱۷۸۲-۱۷۳۰)، دو دوره نخست‌وزیر انگلستان در (۱۷۶۶-۱۷۶۵) و (۱۷۸۲).

۵. Lord North فردریک نورث، دومین ارل گیلفورد، نخست‌وزیر بریتانیای کبیر از ۱۷۷۰ تا ۱۷۸۲.

پاش‌های آن‌چنانی و ارتجاع شناخته می‌شود. برک و دوستان ویگ او در صف اول معترضان حکمرانی او قرار داشتند. به ویژه این‌که خود برک از مدافعان تحرکات انقلابیون در مستعمرات آمریکایی بود و در خطابه‌های آتشین، آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی آمریکایی‌ها را تحسین می‌کرد.

بهترین نوشته‌ها و خطابه‌های او مربوط به همین دوره است و می‌توان این آثار را صدایی رسا و پرطنین در دفاع از حکومت‌گری سنجیده و مبتنی بر قانون در برابر سوء استفاده‌ها و بی‌کفایتی‌های غالب در آن دوران دانست. «ملاحظاتی درباره وضعیت اخیر کشور» (۱۷۶۹) جوابیه‌ای بود به رساله جرج گر نویل به نام «وضعیت فعلی کشور» در باب مناقشه با مستعمرات آمریکایی. «آرایی درباره علل نارضایتی‌های کنونی» را در نقد عملکرد گروه توری‌های جدید نگاشت که او «دوستان پادشاه» می‌نامیدشان و حکم کابینه سایه را در امور کشوری داشتند. در این رساله او به واقع به قدرت انحصاری متمرکز در دستان پادشاه حمله و از مقید شدن هرچه بیشتر آن به قانون دفاع می‌کند. دو سخنرانی «وضع مالیات در آمریکا» (۱۷۷۴) و «مصلحه با آمریکا» (۱۷۷۵) را بهترین و فصیح‌ترین سخنرانی‌های او دانسته‌اند که در آن‌ها از خرد و میانه‌روی به عنوان راه حل معضلات گریانگیر انگلستان دفاع می‌کند.

برک هیچ‌گاه فلسفه سیاسی نظام‌مندی نداشت و فلسفه او از لابلای سطور سخنرانی‌ها و جزوات و رساله‌های او پدیدار می‌شود. او با دکترین حقوق طبیعی آن‌گونه که لاک و روسو از آن دم می‌زدند مخالف بود و اصولاً وجود حقوق پیشینی و بدیهی را در سیر تحولات و پیچیدگی‌های جوامع بشری ناممکن می‌دانست، درست مانند نوری که وارد منشوری می‌شود و دچار انکسارات و انحرافات فراوان می‌شود. به واقع حقوق از منظر او امری برساخته است که از زمینه‌های اجتماعی از قبیل باورها، رسوم، عادات، معاهدات و عرف‌های یک جامعه و به مرور شکل می‌گیرد و حقوق عام و جهانشمول و مبری از بسترهای خاص جوامع گوناگون توهمی خطرناک بیش نیست.

حمایت او از کاهش محدودیت‌ها در تجارت ایرلند با بریتانیای کبیر، و کاستن از قوانین ضد کاتولیک‌ها، به قیمت از دست دادن کرسی بریستول (دومین شهر بزرگ انگلستان در آن دوران) در پارلمان تمام شد (۱۷۸۳) و او از آن پس تا ۱۷۹۴ ناحیه جیبی مالتن^۱ را نمایندگی کرد. او در زمان صدارت راکینگهام (دوره دوم ۱۷۸۲) و همچنین

پرتلند (۱۷۸۳) منصب «مستول پرداخت نیروها»^۱ را به دست آورد. پس از ختم صدارت ویگ‌ها در ۱۷۸۳ او دیگر منصب دولتی به دست نیاورد.

«تأملاتی بر انقلاب در فرانسه» (۱۷۹۰) در سرتاسر اروپا خوانده شد و حاکمان اروپایی با خواندن آن به مقاومت در برابر خیزش‌های انقلابی تشویق شدند. لیکن مخالفت او با این انقلاب، چندان هم بی‌هزینه نبود و او حمایت دوستان ویگ خود، به ویژه جیمز فاکس^۲ قدرتمند و پرنفوذ را از دست داد. در «تقاضای ویگ‌های جدید از ویگ‌های قدیم» و همچنین «نامه‌هایی در باب یک صلح شاه‌گش» برک فراتر از این می‌رود و حکومت انگلستان را به سرکوب این گونه عقاید آزادخواهانه فرامی‌خواند.

او دانش عمیقی از مسائل سیاسی داشت، به همراه تخیلی تابناک، حس همدردی سوزان و منبعی غنی از احساسات و تأثرات قوی و پرورده. با این حال، طرز بیان او که امروزه خواننده را مسحور خود می‌کند، گویی در زمان خودش بارها باعث خالی شدن مجلس از حضار می‌شد (او رکورد سخنرانی ۸ ساعته هم به جا گذاشته است).

ادموند برک، از برجسته‌ترین متفکران سیاسی قرن هجدهم انگلستان، در ۹ جولای ۱۷۹۷، درگذشت و در کلیسای کوچکی در بیکنزفیلد^۳ به خاک سپرده شد.

پیشگوی تیزبین انقلاب

«... افسران یک ارتش برای مدتی فته‌گر و پر از دسته‌بندی و اختلاف می‌مانند، تا این‌که یک ژنرال محبوب، که هنر وحدت‌بخشی به سربازان را خوب بلد است و صاحب روحیه حقیقی فرماندهی، چشمان همه را به خود خیره کند. ارتشی‌ها بنا به خصال شخصی او، از او فرمان می‌برند. در این وضعیت فعلی هیچ راه دیگری برای تضمین اطاعت نظامی متصور نیست، لیکن لحظه‌ای که چنان چیزی اتفاق بیافتد (اطاعت نظامی) کسی که واقعاً ارتش را فرماندهی می‌کند، ارباب شماست. ارباب پادشاه شما، ارباب مجمع شما، ارباب کل جمهوری شما».

۱. Paymaster of forces. منصبی که در ۱۶۶۰ در حکومت بریتانیا ایجاد شد و مسئولیت بخشی از امور مالی ارتش را به عهده داشت، از جمله پرداخت‌ها.

۲. James Fox چارلز جیمز فاکس (۱۷۴۹-۱۸۰۶) سیاستمدار برجسته ویگ که سی و هشت سال به عنوان عضو مجلس عوام، از رهبران و نقش‌آفرینان اصلی مجلس بود. او رهبری جناح رادیکال و طرفدار انقلاب فرانسه را در حزب ویگ به عهده داشت که برک آن‌ها را ویگ‌های جدید می‌خواند.

3. Beaconsfield

قطعه بالا که چنین دقیق و روشن، برآمدن شخصیتی مثل ناپلئون را به تصویر می‌کشد، حدوداً چهارده سال پیش از بر تخت نشستن او به عنوان امپراتور فرانسه در ۱۸۰۴، یعنی در ۱۷۹۰ نگاشته شده است، و چنین بصیرت‌های پیامبرانه‌ای در متنی که از پی خواهد آمد، کم نیست. این حقیقت، ناخودآگاه تحسین خواننده امروزی را، که از پس بیش از دو قرن به رویدادهای حقیقی پس از نگارش آن می‌نگرد، دست‌کم نسبت به قدرت تحلیل و ژرف‌بینی صاحب آن قلم برمی‌انگیزد. گرچه می‌توان با بسیاری از نظرات و اصول عقاید آدموند برک، اکنون، در قرن بیست و یکم، مخالف بود و حتی آن را برای چنین زمانه‌ای ارتجاعی دانست، لیکن باید عنایت داشت که از قضا بسیاری از مسایل مورد نظر برک، که او چنان جانانه از آن دفاع می‌کرد، به عنوان پایه‌های لیبرالیزم انگلوساکسونی، حداقل در خود بریتانیای امروزی مورد احترام و پایدار باقی مانده است.

برک در زمانه‌ی شروع زوال اشرافیت، در دورانی که تیغ تیز انتقادات و یورش‌ها به سوی نهاد اشرافیت کم‌کم در سرتاسر اروپا تیز می‌شد، در زمانه‌ای که انقلاب فرانسه همچون تجلی روح آزادی، در صورت تاریخ ذهن متفکری چون هگل را به خود مشغول داشته بود، و در زمانه‌ای که همگان از شروع عصر جدیدی در تاریخ بشر دم می‌زدند و حتی در خود انگلستان، در حزب خود برک یعنی ویگ، طرفداری از انقلابیون و حمله به اشرافیت کهنسال اروپایی سکه رایج می‌شد، یک‌تنه به دفاع از اشرافیت برخاست و این طبقه را به عنوان ابیان تجربه تاریخی بشر و پارسنگ تعادل جامعه انسانی گرامی داشت. گرچه در این دفاع فکری به هیچ‌روی از نقاط ضعف و اشتباهات آن غافل نبود و نیزبینه آن را در معرض دید عموم و خود این طبقه قرار می‌داد. با وجود آن‌که باید پذیرفت تاریخ در نهایت به راه خود رفت و کشاکش دیالکتیکی نیروهای رقیب، فارغ از مباحثات و مجادلات فکری، جهت سیر جوامع را مشخص کرد، و از این دیدگاه، اشرافیت و کلیسا و ارزش‌های سنتی و سلسله مراتب مطلوب نظر برک تغییرات و دگرگونی‌های بنیادین را از سر گذراندند، لیکن نمی‌توان انکار کرد که برک، به عنوان یک سیاستمدار کارگشته و اندیشمند سیاسی برجسته، شناختی همه‌جانبه و عمیق از جوامع اروپایی، به طور عام، و جامعه انگلستان، به طور خاص، داشت و همین به تنهایی او را در جایگاه یک منتقد و تحلیل‌گر قابل استناد در بررسی انقلاب فرانسه و تأثیرات و متقابل آن با انگلستان قرار می‌داد.

برک دشمن سرسخت استبداد و به عنوان یک ویگ اصیل حامی پرشور محدود ساختن شاه به قوانین سلطنت مشروطه بود، و لیکن برای سلطنت، به عنوان یک نهاد

باستانی و ریشه‌دار که به زعم او از ستون‌های حفظ نظم جامعه انسانی به حساب می‌آمد، حرمت و قداست بسیار قابل بود. به علاوه به نقش و عملکرد سلسله مراتب و قواعد و عرف‌های دیرسال و رایج، ایمانی قاطع داشت و همین باعث شد که گهگاه و در گوشه و کنار متن این نامه‌ی طولانی که بعدتر «تأملاتی بر انقلاب در فرانسه» نام گرفت، در نقد و حتی کوبیدن انقلابیون فرانسه از جاده‌ی انصاف خارج شود و روی به تصویرسازی‌های مبالغه‌آمیز بیاورد (مثل شرحش از وقایع ۶ اکتبر و یا حمله به اتاق خواب شاه و ملکه)، لیکن بصیرت‌هایی که او در تحلیل جوانب مختلف یک انقلاب و تأثیرات و تبعات آن بر ساز و کار و روندهای جامعه فرانسه، در حوزه‌های مختلف (اقتصاد، دین، حکومت‌گری و...) ارایه می‌دهد که بسیاری از آن‌ها عیناً و طابق النعل، در سیر تکمیلی انقلاب به وقوع پیوستند، نشان از ذهنی آگاه و شعوری تیزبین دارد که مطالعه انقلاب فرانسه را بی‌نیاز از رجوع به او، برای ما امری ناقص می‌سازد. برای نمونه، او در بررسی مسأله مصادره‌ها در جریان فاز اول انقلاب (یعنی پیش از سرنگونی نظام سلطنت) توجه می‌دهد که ثروتی که در دست گروهی محدود و مشخص از صاحبان سرمایه (عموماً املاک کلیسا و در سطحی پایین‌تر اشراف زمین‌دار) چنین چشمگیر و افسانه‌ای جلوه می‌کند، در صورت تقسیم میان جمعی عظیم از عامه مردم، نه تنها موجب فقر و افلاس آن گروه قبلی می‌شود که بر مکتب آن جمع کثیر هم چیزی نمی‌افزاید و برای ایشان چیزی جز یأس و سرخوردگی و ترکیدن حباب امید واهی و ثروتمند شدن یک‌شبه به ارمغان نمی‌آورد، چرا که به عقیده او اصولاً خصلت سرمایه، تمرکزپذیری است و سرمایه در حجم قابل توجه و در دستانی محدود کارکرد خود را می‌یابد، و گرنه با تقسیم آن در جمعی کثیر و خردشدنش، چون برف در برابر آفتاب آب می‌شود و از کف همگان می‌رود. درستی این بحث، بعدتر، با توسعه دیدگاه علمی در اقتصاد ثابت شد، و کارل مارکس (البته از دید منفی) همین خصلت تمرکزگرای سرمایه را تئوریزه کرد و وجودش را خصلت ذاتی و ناگزیر سرمایه دانست.

این مثال از این رو آورده شد که این طرز فکر انقلابی که مصادره و تقسیم اموال موجب رفاه و مکتب عمومی می‌شود و بخش عمده مسایل اقتصادی جامعه انقلابی به همین طریق حل می‌شود، به الگویی تقریباً ثابت در انقلاب‌ها تبدیل شد، و البته آن گونه که برک شرح می‌دهد و عقل سلیم هم می‌گوید، نتیجه نه رفاه عمومی که تقسیم فقر بود و به چیزی جز سرخوردگی نسبت به آرمان‌های انقلابی در پی نداشت. نکته قابل توجه دیگر در نظرگاه برک، مسأله عرف و روندهای دیرین اجتماعی است.

شاید بتوان او را از مؤمنان مخلص چیزی موسوم به «خرد نیاکانی» انگاشت، به این مفهوم که به باور او آن رسوم و عهدهایی که از پس سالیان دراز دوام آورده‌اند و از باد و باران گزند نمی‌یافتند، به سان میراثی هستند که با واسطه‌ی نسل‌ها، سینه به سینه از پیشینیان و پدران و اجداد فرزانه ما به ما رسیده‌اند، و دیرینگی و دوام آن‌ها خود مُهر و معیار صحت و عقلانی بودن آن‌هاست. معنای دیگر این سخن آن است که او برخلاف کسانی چون اصحاب دایرةالمعارف، لاک و هگل و مارکس و امثال این بزرگان به سیر یک‌سویه تاریخ بشر به سوی پیشرفت و وعده‌های آرمانشهری پیروان عقل نقاد فلسفی اعتقادی نداشت و از این منظر شاید اندیشه او ارتجاعی جلوه کند. با این حال او در این باره توجهات و استدلالات خود را دارد که دست‌کم قابل تأمل است. شاید بتوان نظر او را به اجمال چنین صورت‌بندی کرد: جهان کنونی ما و شیوه زیست و سلوک فعلی ما در جهان، محصولی پیچیده و چندوجهی است که همچون میراثی از پیشینیان به ما رسیده است. بابت آنچه که اکنون هست، رنج‌ها برده و خون دل‌ها خورده شده است. آنچه در دست ماست عصاره فضایل و البته رذایل قدمای ماست و بر ما واجب است که فضایل آن را که چون فولاد آبدیده در کف ماست حفظ کنیم، و در برابر رذایل آن هم باید با صبر و دوراندیشی و حوصله روش اصلاح را در پیش بگیریم، چرا که این رذایل پایدار هم خود برآمده از سرشت پیچیده بشر است و باز نمود نقایص ذاتی او از قبیل خودخواهی، زیاده‌خواهی، طمع، حسد و امثال این‌هاست. به هیچ شیوه‌ای نمی‌توان سرشت بشر را از بیخ و بن دگرگون کرد و باید راه صبر و مدارا را در برابر آن در پیش گرفت و شیوه‌ها را به مرور اصلاح کرد تا سوء آثار آن کم‌تر شود به اعتقاد برک معایب بشری که در طول قرون و اعصار کانالیزه شده‌اند تا ویرانی کم‌تری به دنبال داشته باشند، با انقلاب تنها از مجاری هدایت‌کننده خود رها می‌شوند و همچون سیلی مهیب تومار جامعه را در هم می‌پיچند پس از این زاویه، برک مخالف و بلکه دشمن طرحی نو در انداختن است و احتمالاً شنیدن شعاری چون «عالمی از نو بیاید ساخت و از نو آدمی» او را به شدت خشمگین می‌کرد. هیچ طرح نوین و هیچ انسان طراز نوینی قرار نیست اصولاً شکل بگیرد و آنچه هم که به این نام سر بر می‌آورد، نتیجه‌ای جز ویرانی و پریشانی و اختلال در نظم امور انسانی ندارد.

ادموند برک، نماینده پارلمان عضو حزب ویگ، به لحاظ جهان‌بینی سیاسی لیبرال محسوب می‌شد، لیکن این به هیچ وجه بر دموکرات بودن یا اعتقادش به حضور پررنگ مردم نبود. آنچه از لیبرالیزم او افاده می‌شود، به معنای خاص انگلیسی آن، یعنی مقید

بودن قدرت پادشاه و مشروطه شدن حکومت به صلاحدید و صوابدید نخبگان سیاسی (عموماً اشراف) است. به زعم او، حکومت پادشاهی مشروطه بریتانیا، دستاورد انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸، نقطه‌ی اوج فضیلت انگلیسی است که باید با نثار خون و جان حفظ شود. او این نوع حکومت را ثمره‌ی خرد جمعی انگلیسی‌های فرهیخته، یعنی صورت‌دهندگان انقلاب شکوهمند می‌داند که در آن آریستوکراسی سدی در برابر زیاده‌طلبی توده‌ها از یک‌سو و گرایش شاه به استبداد از سوی دیگر است. به علاوه در چنین سیستمی بر اساس اصول تقسیم کار طبیعی و منطقی، کارها به کاردان سپرده می‌شود و نظم دیرین جامعه انسانی به جای می‌ماند. برک با وجود اعتقادش به نظام نمایندگی، با حضور توده‌ها در سیاست مخالف است و آن‌ها را چون سیلی بنیان‌فکن می‌داند. توده‌ها حاملان جهل و حرص و زمختی هستند و چون در رسیدن به اهداف سطحی و حیوانی و فوری خود بی‌شکیب و عجول هستند، با هر نوع برنامه و طرح بلندمدت و اصولاً هر نوع دوراندیشی بیگانه می‌نمایند. در این معنا شاید مفهوم توده‌ها در ذهن برک، به مفهوم عربی «همج الزعاع» شبیه باشد.

از منظری دیگر، می‌توان برک را خصم سرسخت عقل مجرد فلسفی در عرصه سیاست دانست. همان عقلی که تحت لوای آن، رهبران انقلاب فرانسه قصد دگرگونی همه‌جانبه جامعه فرانسه و بر ساختن یک سیستم سراپا عقلانی را داشتند. او در بهترین حالت، چنین موجود مجردی را مناسب کتب یا مکتب خانه‌های فلسفی می‌دانست، لیکن در سپهر سیاست، ورود معیاری چنین نامشخص، سوبژکتیو و انتزاعی را فاجعه‌بار می‌دانست، چرا که در سایه ابهام، تعریف‌ناپذیری و عدم تعیین آن منبعی برای توجیه شکست‌ها، ناکارآمدی‌ها و ناشایستگی‌ها می‌دید. در نتیجه، اصولی چون آزادی، برابری و برادری هم که از چنین عقلی منتج می‌شود برای او طنینی مبهم و خطرناک داشت. اساساً چون برک به بشریت در مفهوم عام آن باور نداشت و وجود انسانی ورای مرزها، فرهنگ‌ها و ورای عادات و خلیقات هر جامعه را یک سفسطه به حساب می‌آورد، نمی‌توانست به عقل عام بشری هم باورمند باشد. شاید بتوان عقل، یا بهتر عقلانیت، مورد تأیید برک در حکومت را با تسامح، نوعی «حکمت عملی» قلمداد کرد که ترکیبی است از مصلحت‌اندیشی نخبگان، عرف‌ها، روندهای سنتی جاافتاده و آداب و رسوم دیرین، که با کم‌ترین هزینه به رفع و رجوع مسایل مستحده می‌پردازد، بی‌آن‌که بر بنیان‌ها خللی وارد آید. او بر این عقیده است که معضلات جامعه انسانی، معضلاتی همیشگی هستند و کار سیاستمداران، مدیریت هزینه‌ها و تبعات این معضلات است، و گرنه هیچ‌گاه برای هیچ

مسأله‌ای یک راه حل قطعی و جاودانه وجود ندارد که جمعی بتواند با استناد به عقل انتزاعی، تفلسف، یک بار برای همیشه رأی برای آن اتخاذ کنند و پرونده‌اش را به بایگانی تاریخ بسپارند. پس کار سیاست به زعم او کار صبر و حوصله، برنامه‌ی بلندمدت و توقعات محدود و فروتنانه است. برک متواضعانه انسان انگلیسی را موجودی محتاط، صبور و حتی به نوعی ترسو می‌داند که معمولاً با پروژه‌های بزرگ و پرهزینه میانه‌ای ندارد و اصل اول برای مداخله در هر امری را محاسبه سود و زیان آن می‌داند. احتمالاً برک از لقبی که ناپلئون به سیاستمداران انگلیسی داد (دکان‌دارها)، چندان هم نمی‌رنجید، چون دکان‌داری هم مستلزم داشتن حساب و کتاب و احتراز از ریسک‌های بزرگ است.

به بیان دیگر، خانه محتاج تعمیر را تعمیر می‌کنند، نه آن‌که از بیخ و بن ویرانش سازند. شاید در این ویرانی‌های موش‌ها و مارهای لانه‌کرده در پی خانه هم بمیرند، لیکن در برابر هزینه‌های این تخریب، چنین منفعتی چندان به حساب نمی‌آید. این همان کاری است که، به باور برک، فرانسویان با انقلاب با کشور خود انجام دادند. او کاملاً قبول دارد که سلطنت فرانسه مشکلاتی جدی و عمیق در خود داشت، ولی راه حل آن اصلاح گام به گام بود، و اگر در بدترین حالت به انقلابی هم نیاز داشت، انقلابی از نوع انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸ انگلستان بود (که قطعاً با معیارهای فرانسویان پرشور و حرارت، چندان هم انقلاب محسوب نمی‌شد). همه‌ی افسوس برک هم از این است که چرا رهبران فرانسوی انقلاب، نمونه‌ی عینی و دم دستی کشور همسایه را رها کرده و در وادی انتزاعات سر در پی ناکجاآباد گذاشته‌اند. البته نگرانی بزرگ‌تر او این است که حال که فرانسویان از نمونه درست (به زعم او) الگو نگرفته‌اند، انگلیسی‌هایی هم هستند که برای الگوگیری از این مدل فرانسوی فلسفی اشتیاق نشان می‌دهند و البته تعدادشان هم کم نیست. از این‌رو، او حکومت مورد علاقه خود را از این ناحیه مورد تهدید می‌دید و همین حس تهدید هم او را به نگاشتن این نامه بلند و پرطول و تفصیل به دوست فرانسویش وامی‌دارد.

بهانه او برای نگارش نامه، پاسخ به موعظه پر حرارت کشیش انقلاب دوست، دکتر ریچارد پرایس، در کلیسای محله الدجوری لندن، با عنوان «گفتاری در باب عشق به کشورمان» است. نقطه عطف این موعظه، تأکید پرایس بر حقوق سه‌گانه‌ای است که به باور او مردم انگلستان در انقلاب شکوهمند خود به دست آوردند: ۱. حق انتخاب حکومت گران ۲. حق برکناری آنان ۳. حق تشکیل حکومت توسط خود مردم. این جاست که برک برمی‌آشوبد. شاید حتی تصور انتخابی شدن پادشاه و محوریت یافتن آرای توده‌ها در انتخاب حاکم و هیأت حاکمه، او را وحشت زده می‌کرد و از یک حس تهدید عظیم

می‌انباشت. او دست به قلم می‌برد و توپخانه‌اش را روی پرایس و به طور ویژه حقوق سه‌گانه ادعایی او تنظیم می‌کند. او در این متن نه تنها این حقوق سه‌گانه ادعایی را زیر سؤال می‌برد، که تفسیری یکسره متفاوت از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ارایه می‌دهد. به احتمال قوی، او از این‌که انقلاب ۱۶۸۸ محبوب او که سیستمی چنین درست و عقلایی را بر بریتانیا حاکم کرده، این چنین دستاویز انقلاب خواهان قرار گیرد، احساس می‌کرد که مورد هتک حرمت قرار گرفته است.

به هر حال، بحث درباره‌ی وجوه مختلف و ظرایف متن پیش رو به درازا می‌کشد و مجال مستقل از یک مقدمه‌ی مختصر می‌طلبد. در این جا تنها سعی شد که خطوط کلی و به اصطلاح اقّهات نوشته‌ی برک را برای خواننده توضیح داده شود تا از زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر نگارش آن به اجمال آگاه شود. انقلاب فرانسه مثل هر رویداد عظیمی، محاسن و معایب خود را داشت. برک بنا بر احساس هراسی که از آن داشت، یا به دلیل طبع اشرافی خود، یا خوی انگلیسی محتاطش، تقریباً هیچ‌یک از محاسن این انقلاب را ندید یا نخواست ببیند، و باید انصاف داد که در موضع او جز نقدی کوبنده، چیزی در برابر انقلاب نمی‌بینیم. متن او از اغراق‌ها، جانبداری‌ها و تعصبات خالی نیست، اما کدام نوشته‌ی سیاسی است که تا حدی دچار همین خصوصیات نباشد. بگذریم از این‌که آن قدر نقاط قوت و تحلیل‌های سنجیده و پخته در آن است که خواندن آن را برای دست‌کم پژوهندگان و دانشوران این حوزه به یک ضرورت تبدیل می‌کند. تأملاتی بر انقلاب در فرانسه یک سند تاریخی بسیار مهم و یک منبع قابل استناد، در بررسی رویدادی است که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، نقطه عطفی در تاریخ جهان بود. تازه وقتی بر اهمیت این کتاب افزوده می‌شود که سال نگارش آن، ۱۷۹۰، را در نظر بگیریم که هنوز انقلاب در فاز اول خود بود و هنوز تا تکمیل آن و سرنگونی کامل سلطنت و اعلام جمهوری فاصله‌ای وجود داشت. سال‌هایی که از پی آن آمدند بر درستی بسیاری از این تحلیل‌ها مهر تصدیق زدند، و همین خود دلیلی گویا برای جایگاه بلند آن در تاریخ اندیشه سیاسی است. کلیه‌ی پانوشته‌های متن از مترجم است.

کار دشوار ترجمه این اثر به سرانجام نمی‌رسید، اگر مساعدت‌ها و حمایت‌های همسر، خانواده عزیزم، جناب قنبری گرامی، مدیر فرهیخته‌ی نشر نگاه معاصر و امید سیدکاظمی را همراه نداشتیم و قرین منت همه‌ی این عزیزان هستیم. تا چه مقبول افتد و چه در نظر آید.